

تنگنای عقلانیت شهودگرا و افق‌های سعادت متعالیه: نقد دیدگاه هنری

سیجویک از منظر جوادی آملی^۱

چکیده

یکی از مسائل مهم در نظام‌های اخلاقی، مسئله سعادت آدمی است. هر نظام اخلاقی بر مبنای اصول و جهان‌بینی که دارد، تلقی خاصی از سعادت و نحوه نیل بدان دارد. در این بین، سیجویک، با اعتقاد به عقلانیت و شهود اخلاقی، سعادت را به عنوان غایت نهایی اخلاق و معیار ارزش‌گذاری اعمال معرفی می‌کند. وی با تکیه بر لذت‌گرایی عقلانی، به دنبال حداکثر کردن لذت برای بیشترین تعداد افراد است. اما آیت‌الله جوادی آملی با تأسی از اندیشه وحیانی و میراث حکمت متعالیه، سعادت را در دیدی وسیع‌تر و به عنوان غایت نهایی حیات انسانی که همان قرب الهی است در نظر می‌گیرند. از منظر وی، سعادت صرفاً به لذت و خوشی دنیوی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تعالی روحی و معنوی انسان نیز می‌گردد. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی سعی بر این است تا ضمن تبیین و تحلیل جایگاه سعادت در نظام اخلاقی سیجویک به نقد آن از منظر آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شود. دیدگاه سیجویک با تکیه صرف بر عقل و شهود، بدون در نظر گرفتن وحی و راهنمایی‌های الهی، نمی‌تواند انسان را به سعادت حقیقی رهنمون سازد. عقل انسان، محدود و خطاپذیر است و نمی‌تواند به‌تنهایی تمامی ابعاد حقیقت را درک کند. بنابراین، برای رسیدن به سعادت حقیقی، نیازمند راهنمایی وحی و تبعیت از دستورات الهی هستیم.

واژگان کلیدی

سیجویک، پیامدگرایی شهودی، آیت‌الله جوادی آملی، سعادت، شهود

^۱ این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی پست‌دکتری می‌باشد.

بیان مسئله

در دوران معاصر، با گسترش نگرش‌های سکولار و نسبی‌گرایانه در اخلاق، ضرورت بررسی و بازتعریف مفاهیم بنیادینی چون سعادت، خیر و فضیلت بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، نظریات اخلاقی همچون پیامدگرایی، به دلیل تأکید بر نتایج و پیامدهای اعمال، جایگاه ویژه‌ای در مباحث اخلاقی به خود اختصاص داده‌اند. پیامدگرایی با تمرکز بر حداکثر کردن شادی و رفاه برای بیشترین تعداد افراد، سعی در ارائه معیاری عینی و قابل سنجش برای ارزیابی ارزش اخلاقی اعمال دارد.

هنری سیجویک، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمایندگان پیامدگرایی، با ارائه نظریه "پیامدگرایی شهودی"، سعی در رفع چالش‌های موجود در پیامدگرایی کلاسیک دارد. وی با پذیرش نقش شهود عقلانی در درک اصول اخلاقی بنیادین، تلاش می‌کند تا پایه‌ای محکم‌تر برای اخلاق پیامدگرا فراهم آورد. با این حال، رویکرد سیجویک به سعادت، مبتنی بر لذت و رفاه، در تقابل با دیدگاه‌های متافیزیکی و الهیاتی سعادت، به‌ویژه دیدگاه‌هایی که در سنت اسلامی ریشه دارند، قرار می‌گیرد. از منظرگاه سیجویک، هدف نهایی یک سیستم اخلاقی باید بیشینه‌سازی سعادت کلی باشد. وی معتقد بود که پیامدگرایی با رویکرد شهودی، به عنوان یک شکل خاص از پیامدگرایی که بر بیشینه‌سازی سعادت کلی متمرکز است، معقول‌ترین و سازگارترین روش اخلاقی است (Sidgwick, 1907: 54). از سوی دیگر، آیت‌الله جوادی آملی، با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه و آموزه‌های وحیانی، رویکردی جامع و متعالی به سعادت ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، سعادت صرفاً به معنای لذت و رفاه دنیوی نیست، بلکه تحقق کمالات انسانی و قرب الهی را شامل می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی سعادت را در چارچوب نظام هستی و ارتباط انسان با آن تعریف می‌کند. از این منظر، هستی دارای نظم حکیمانه و غایتمند است که تمام اجزای آن به سوی کمال مطلق در حرکتند. انسان به عنوان جزئی از این نظام، زمانی به سعادت دست می‌یابد که در راستای این حرکت کلی و در هماهنگی با اراده الهی گام بردارد (جوادی آملی، 1491، ج 8: 195). به عبارت دیگر، سعادت یعنی قرارگرفتن در مسیر کمال و رسیدن به هدف خلقت، که همان قرب الهی است. آیت‌الله جوادی آملی با نقد دیدگاه‌های مادی‌گرایانه و نسبی‌گرایانه به اخلاق، بر اهمیت شناخت غایت حقیقی انسان و نقش دین در دستیابی به سعادت واقعی تأکید می‌کند.

این مقاله ضمن بررسی دقیق و جامع مسئله سعادت در نظام اخلاقی سیجویک، سعی بر این دارد تا به عرضه دیدگاه وی بر فلسفه اخلاق آیت‌الله جوادی آملی بپردازد تا چالش‌های اساسی که پیامدگرایی شهودی سیجویک در تبیین سعادت با آن مواجه است، آشکار گردد.

پیشینه تحقیق

یافته‌های محقق حاکی از آن است که تاکنون تحقیقی که به بررسی جایگاه سعادت در نظریه پیامدگرایی شهودی سیجویک و نقد آن از منظر آیت‌الله جوادی آملی بپردازد، صورت نگرفته اما از جمله مقالات مرتبط در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ صالحی و صباغچی (1403)، «سعادت از نظر آیت‌الله جوادی آملی، غایت جامع یا غالب؟»؛ لکزایی (1390)، «سعادت متعالیه از منظر آیت‌الله جوادی آملی»؛ ملایوسفی و دیگران (1391)، «نقد اخلاق تکاملی با تکیه بر آراء سیجویک» و عبدالآبادی (1390)، «تحلیلی از شهودگروی اخلاقی هنری سیجویک و نقدی بر آن».

وجه ابتکار این تحقیق اولاً، تبیین جایگاه سعادت در پیامدگرایی شهودی هنری سیجویک و ثانیاً، عرضه دیدگاه وی بر فلسفه اخلاق آیت‌الله جوادی آملی و نقد آن از منظر ایشان است که قبلاً تحقیقی در این راستا صورت پذیرفته است. همچنین این تحقیق می‌تواند به درک بهتر مفهوم سعادت در فلسفه اخلاق سیجویک و آیت‌الله جوادی آملی کمک کند و باب جدیدی را برای مطالعات تطبیقی و انتقادی در این حوزه بگشاید.

1. دیدگاه سیجویک

هنری سیجویک، فیلسوف برجسته انگلیسی قرن نوزدهم، به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی در فلسفه اخلاق مدرن شناخته می‌شود. وی سهم بسزایی در درک و تحلیل نظام‌های اخلاقی گوناگون داشته و رویکردی دقیق و انتقادی را در پیش گرفت و با بررسی دقیق استدلال‌ها و مبانی معرفت‌شناختی هر نظام، تلاش کرد تا به یک نظام اخلاقی جامع و معقول دست یابد و با ترکیب دو نظریه پیامدگرایی و شهودگرایی، نظریه خود را تحت عنوان پیامدگرایی شهودی ابراز داشت.

برای درک بهتر دیدگاه سيجويک، لازم است ابتدا با طور مختصر به مفاهيم کليدي پيامدگرايي و شهودگرايي اشاره شود. پيامدگرايي¹ در کلي ترين تعريف خود، ديدگاهي است که درستي يا نادرستي يک عمل را بر اساس پيامدهاي آن ارزيابي مي کند (درايور، 1394: 24؛ صانعي، 1368: 50). بر اين اساس، عملي درست است که بهترين پيامدها را در مقايسه با ساير اعمال ممکن به دنبال داشته باشد. صورتهاي گوناگوني از پيامدگرايي وجود دارد که بسته به تعريف "بهترين پيامدها" از يکديگر متمايز مي شوند. براي مثال، فايده گرايي² که يکي از مشهورترين اشکال پيامدگرايي است، "بهترين پيامدها" را به عنوان "بيشترين خوشبختي براي بيشترين تعداد افراد" تعريف مي کند (پيک حرفه، 1394: 14).

در مقابل، شهودگرايي³ بر نقش محوري شهود در شناخت اصول اخلاقي تاکيد مي کند. شهودگرايان معتقدند که ما مي توانيم به طور مستقيم و بدون نياز به استدلال يا تجربه، به برخي از حقايق اخلاقي دست يابيم. اين حقايق، اصول بنياديني هستند که به عنوان مبناي نظام اخلاقي عمل مي کنند (وارنوک، 1380: 271؛ کاپلستون، 1387، ج 2: 105). شهودگرايان در مورد محتوای اين اصول شهودي و همچنين در مورد چگونگي شناخت آنها با يکديگر اختلاف نظر دارند. برخي از آنها معتقدند که شهود ما قادر به تشخيص وظايف خاصي مانند وفائي به عهد يا صداقت است، در حالي که برخي ديگر بر اين باورند که شهود به ما اصول عامي تري مانند اصل عدالت يا اصل خيرخواهي را نشان مي دهد (مور، 1385: 123-126؛ هر، 1396: 143).

حال با در نظر گرفتن اين مفاهيم، مي توانيم به ديدگاه سيجويک درباره پيامدگرايي شهودي بپردازيم. سيجويک در روش هاي اخلاقي نشان مي دهد که چگونه مي توان عناصر شهودگرايي را در يک چارچوب پيامدگرايانه ادغام کرد. وي استدلال مي کند که برخي اصول اخلاقي بنيادين، به وضوح و به طور شهودي براي ما آشکار هستند و اين اصول مي توانند به عنوان راهنمايي براي تعيين پيامدهاي يک عمل مورد استفاده قرار گيرند (Sidgwick, 1907: 27). به عبارت ديگر، سيجويک معتقد

¹ Consequentialism

² Utilitarianism

³ Intuitionism

است که براساس شهود می‌توان به تشخیص برخی از ویژگی‌های ذاتی خوب در پیامدها پرداخت و این شناخت شهودی می‌تواند به ما در ارزیابی و انتخاب اعمال درست کمک نماید.

مهم‌ترین جنبه‌ای که سیجویک را از سایر پیامدگرایان متمایز می‌کند، تاکید او بر نقطه‌نظر جهان شمول¹ است. وی معتقد است که در ارزیابی پیامدهای یک عمل، نباید صرفاً منافع شخصی یا گروهی را در نظر گرفت، بلکه باید به طور بی‌طرفانه و از دیدگاه یک ناظر بی‌طرف، به بررسی تمام پیامدهای ممکن برای تمام افراد ذی‌نفع پرداخت. این دیدگاه جهان‌شمول، نوعی تعهد به عدالت و برابری را در رویکرد پیامدگرایانه سیجویک وارد می‌کند.

سیجویک همچنین به این مهم اشاره می‌کند که شهود ما همیشه قابل اعتماد نیست و ممکن است تحت تأثیر تعصبات فرهنگی، منافع شخصی یا عادات ذهنی قرار گیرد. بنابراین، وی بر اهمیت تفکر انتقادی و بررسی دقیق شهودهای خود تاکید می‌کند. وی معتقد است که برای رسیدن به یک نظام اخلاقی معقول، باید تلاش کنیم تا شهودهایمان را تا حد امکان پالایش کرده و آن‌ها را با استدلال و تجربه هماهنگ سازیم (همان: 45).

در واقع، سیجویک رویکردی ترکیبی را در پیش می‌گیرد. وی ضمن پذیرش نقش شهود در شناخت اصول اخلاقی، بر اهمیت پیامدگرایی در ارزیابی اعمال و سیاست‌ها تاکید می‌کند. او معتقد است که ما باید از شهودهای خود برای تعیین اهداف و ارزش‌های اخلاقی استفاده کنیم و سپس با بررسی پیامدهای احتمالی اعمال مختلف، بهترین راه برای دستیابی به این اهداف را انتخاب نماییم.

1-1 پیامدگرایی شهودی

درک اهمیت نظریه سیجویک نیازمند توجه به زمینه‌های تاریخی و فلسفی شکل‌گیری آن است. فایده‌گرایی، به عنوان یک نظریه اخلاقی، بر این اصل استوار است که فعل اخلاقی، فعلی است که بیشترین میزان خوشبختی را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان آورد. بنیان‌گذاران این مکتب، جرمی بنتام و جان استوارت میل، با تکیه بر محاسبه لذت و رنج، سعی داشتند روشی عینی برای تعیین درست و نادرست اخلاقی ارائه دهند. با این حال، فایده‌گرایی با چالش‌های متعددی روبرو بود که زمینه‌ساز ظهور نظریات دیگری در این راستا بود؛ برخی از این نظریات برخلاف فایده‌گرایی و

¹ The point of view of the universe

برخی دیگر نیز در جهت اصلاح و تکامل این نظریه بود (ادواردز، 1378: 156؛ پالمر، 1388: 130؛ فرانکنا، 1376: 25).

هنری سیجویک با آگاهی از چالش‌هایی که فایده‌گرایی با آن مواجه بود، به دنبال ارائه یک نسخه اصلاح‌شده از آن بود که در عین حفظ اصول اساسی آن، بتواند پاسخگوی انتقادات باشد. وی در کتاب *روش‌های اخلاق* به بررسی سه روش اصلی برای تعیین درست و نادرست اخلاقی پرداخت: خودگرایی، شهودگرایی و فایده‌گرایی. سیجویک معتقد است که هر یک از این روش‌ها با مشکلات و تناقضاتی روبرو هستند، اما در نهایت، فایده‌گرایی را به عنوان معقول‌ترین گزینه برمی‌گزیند، مشروط بر اینکه با درک شهودی اخلاق تقویت شود و نهایتاً از نظریه وی به عنوان "پیامدگرایی شهودی" یاد می‌شود.

پیامدگرایی شهودی سیجویک با تأکید بر اهمیت اصول اخلاقی بنیادین و نقش شهود در تعیین رفتار اخلاقی، نشان می‌دهد که اخلاق، صرفاً یک مسئله محاسبه لذت و درد نیست، بلکه نیازمند استدلال عقلانی، تأمل فلسفی و حساسیت اخلاقی است. نظریه سیجویک با فایده‌گرایان که صرفاً به محاسبه لذت و درد اکتفا می‌کنند، تفاوت اساسی دارد؛ چرا که سیجویک به اهمیت اصول اخلاقی بنیادین و شهودهای اخلاقی در تعیین رفتار اخلاقی تأکید می‌کند (Shaver, 2009: 45). به عبارت دیگر، سیجویک معتقد است که ما نمی‌توانیم صرفاً با محاسبه پیامدهای هر عمل، به درستی یا نادرستی آن پی ببریم. بلکه نیازمند شهودهای اخلاقی و اصولی بنیادین هستیم که به ما در ارزیابی پیامدها و انتخاب بهترین عمل کمک کنند.

سیجویک به شهود، به عنوان یک منبع مهم معرفت اخلاقی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. وی شهود را به دو نوع اصلی تقسیم می‌کند:

الف. شهودهای عقلی: این شهودها، اصولی بنیادین و بدیهی هستند که از طریق استدلال عقلی و بدون نیاز به تجربه حسی، ادراک می‌شوند. به عنوان مثال، اصل برابری بیان می‌کند "هر فرد باید به همان اندازه مورد توجه قرار گیرد که هر فرد دیگر از آن بهره‌مند است"، یک شهود عقلی است (Sidgwick, 1907: 78).

ب. شهودهای ادراکی: این شهودها، قضاوت‌های اخلاقی مستقیم در مورد موقعیت‌های خاص هستند. به عنوان مثال، وقتی می‌بینیم که کسی به دیگری کمک می‌کند، به طور شهودی درک می‌کنیم که این عمل، عملی نیک است (Sidgwick, 1907: 79).

سیجویک معتقد است که شهودهای عقلی، مبنای محکمی برای نظام اخلاقی فراهم می‌کنند. این شهودها، اصول اخلاقی بنیادینی هستند که از طریق استدلال و تأمل عقلانی قابل دفاع هستند و می‌توانند به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی عمل کنند.

1-2 اصول نظریه

می‌توان اذعان داشت که تبیین سیجویک از سعادت بر 4 اصل اساسی استوار است که عبارتند از؛

1-2-1 اصل خوشبختی همگانی

این اصل، هسته اصلی نظریه سیجویک را تشکیل می‌دهد. سیجویک معتقد است که عمل اخلاقی صحیح، عملی است که حداکثر خوشبختی را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان می‌آورد. این اصل، گرایشی جهان‌شمول دارد، بدین معنا که خوشبختی همه افراد، از جمله خود عامل اخلاقی، باید در نظر گرفته شود. این اصل، به تعبیر سیجویک، یک شهود بدیهی است که بر پایه عقلانیت استوار است (Sidgwick, 2009: 67).

اصل خوشبختی همگانی، به عنوان یکی از ارکان اصلی فلسفه اخلاق سیجویک، نقش محوری در نیل به سعادت دارد. این اصل به عنوان یک معیار برای ارزیابی اعمال، ایجاد انگیزه برای رفتارهای اخلاقی، حل تعارضات اخلاقی، و بسط دایره اخلاق عمل می‌کند. با پذیرش این اصل، افراد و جوامع می‌توانند در جهت ایجاد دنیایی عادلانه‌تر گام بردارند که در آن همه افراد از حق برخورداری از خوشبختی برخوردار باشند.

1-2-2 اصل بی‌طرفی^۲

این اصل، به این حقیقت اشاره دارد که در محاسبه خوشبختی، نباید هیچ تفاوتی بین افراد قائل شد. خوشبختی هر فرد، صرف نظر از هویت، نژاد، جنسیت یا موقعیت اجتماعی او، باید به طور مساوی در

¹ The Principle of Universal Happiness

² The Principle of Impartiality

نظر گرفته شود. این اصل، به جلوگیری از تبعیض و بی‌عدالتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی کمک می‌کند. سیجویک استدلال می‌کند که این اصل نیز، از طریق شهود عقلانی قابل درک است (همان).

بی‌طرفی، از نظر سیجویک، به معنای برخورد برابر با منافع همه افراد، صرف نظر از هویت، جایگاه اجتماعی، یا ارتباطات شخصی آن‌هاست. این اصل بیان می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که سعادت یک فرد را بر سعادت فرد دیگری ترجیح دهیم، مگر آنکه دلیلی عقلانی و مرتبط با خود سعادت وجود داشته باشد (مثلاً احتمال بیشتر دستیابی به سعادت، یا تاثیرگذاری گسترده‌تر سعادت او بر دیگران). بی‌طرفی، بنابراین، به عنوان یک اصل جهان‌شمول و عقلانی، از تبعیض و ترجیحات غیرموجه جلوگیری می‌کند (De Lazari-Radek and Singer, 2014: 60).

اصل بی‌طرفی، نه تنها به عنوان یک اصل شهودی عقلانی مورد تایید سیجویک قرار می‌گیرد، بلکه نقشی محوری در پیامدگرایی شهودی وی ایفا می‌کند. سیجویک معتقد است که رعایت بی‌طرفی، بهترین راه برای نیل به سعادت جمعی و ایجاد یک نظام اخلاقی عادلانه و موثر است. رابطه بین سعادت و بی‌طرفی، رابطه‌ای پیچیده و دوسویه است. بی‌طرفی به عنوان یک ابزار برای نیل به سعادت عمل می‌کند، و سعادت نیز می‌تواند به عنوان یک معیار برای ارزیابی و توجیه اصل بی‌طرفی مورد استفاده قرار گیرد.

3-2-1 اصل احتیاط عقلانی¹

این اصل، بدین معناست که ما باید به همان اندازه که برای خوشبختی کنونی خود ارزش قائل هستیم، برای خوشبختی آینده خود نیز ارزش قائل باشیم. این اصل، از تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌بینانه و خودخواهانه جلوگیری می‌کند و ما را تشویق می‌کند تا پیامدهای بلندمدت اعمال خود را در نظر بگیریم. سیجویک این اصل را نیز یک شهود بنیادی می‌داند که از دل عقلانیت برمی‌خیزد (Bryce, 2016: 90).

سیجویک، احتیاط عقلانی را به عنوان یک اصل عقلانی و بدیهی تعریف می‌کند که بیان می‌دارد: «خیر آینده من، به همان اندازه خیر حال من، ارزش دارد». این اصل، در واقع، استدلالی است که عقل سلیم آن را می‌پذیرد و نیازی به اثبات ندارد. به عبارت دیگر، زمان نباید در ارزش‌گذاری خیر

¹ The Principle of Rational Benevolence

تفاوت ایجاد کند. لذت یا رنجی که در آینده تجربه خواهیم کرد، نباید صرفاً به دلیل اینکه در آینده رخ می‌دهد، ارزش کمتری نسبت به لذت یا رنج فعلی داشته باشد (Sidgwick, 2009: 33).

باید توجه داشت که احتیاط عقلانی به معنای نادیده گرفتن نیازهای فعلی به نفع آینده نیست، بلکه به معنای ایجاد توازن منطقی و عقلانی بین منافع حال و آینده است. این اصل، فرد را ملزم می‌کند که هنگام تصمیم‌گیری درباره اقدامات خود، پیامدهای بلندمدت آنها را نیز در نظر بگیرد و از لذت‌های زودگذر و کم‌ارزش که ممکن است به آسیب‌های بزرگتر در آینده منجر شوند، اجتناب کند.

4-1-2 اصل شهود¹

همانطور که اشاره شد، سیجویک نقش مهمی برای شهود در اخلاق قائل است. وی معتقد است که برخی از اصول اخلاقی بنیادی، مانند اصول فوق، از طریق شهود عقلانی قابل درک هستند. منظور از شهود عقلانی، یک نوع درک مستقیم و بی‌واسطه از حقیقت است که بر پایه استدلال و تعقل استوار است. این شهودها، نه تنها مبنایی برای اخلاق فراهم می‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های پیچیده اخلاقی، تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشیم.

سیجویک معتقد بود که فایده‌گرایی به تنهایی نمی‌تواند به عنوان یک سیستم اخلاقی کامل و قابل دفاع عمل کند. وی به این نتیجه رسید که فایده‌گرایی، علی‌رغم جذابیت‌های ظاهری، با مشکلات جدی روبرو است. یکی از این مشکلات، این است که فایده‌گرایی، به تنهایی نمی‌تواند توجیهی منطقی برای رعایت عدالت ارائه دهد. به عبارت دیگر، فایده‌گرایی ممکن است در برخی موارد، به توجیه رفتارهایی منجر شود که به نفع اکثریت هستند، اما حقوق اقلیت را نادیده می‌گیرند (Sidgwick, 2009: 68).

سیجویک معتقد بود که برای حل این مشکل، باید به اصول شهودی دیگری نیز متوسل شویم. به عنوان مثال، اصل شهودی "عدالت" حکم می‌کند که باید با همه افراد به طور عادلانه رفتار کرد، حتی اگر این کار به کاهش کلی خوشی منجر شود. سیجویک بر این باور بود که این اصل، یک اصل

¹ The Principle of Intuition

خود-بدیهی است که به طور مستقیم توسط عقل قابل درک است و نمی‌توان آن را به فایده‌گرایی تقلیل داد.

3-1 معنا و مفهوم سعادت

سیجویک یک پیامدگرا است، بدین معنا که معتقد است درستی یا نادرستی یک عمل، تنها بر اساس نتایج و پیامدهای آن تعیین می‌شود. اما سوال اساسی این است که کدام پیامدها ارزشمند هستند و باید برای دستیابی بدانها تلاش کرد؟ در اینجا است که مفهوم سعادت وارد بحث می‌شود.

سیجویک، به طور ضمنی از نوعی لذت‌گرایی¹ دفاع می‌کند و سعادت را معادل با حداکثرسازی لذت و کاهش درد در نظر می‌گیرد. وی استدلال می‌کند که لذت، به طور ذاتی، خوب و درد، به طور ذاتی، بد است. از این رو، عملی درست است که بیشترین میزان لذت را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد کند (Sidgwick, 1907: 34). اما رویکرد سیجویک به لذت‌گرایی، ساده‌انگارانه نیست. وی به این نکته واقف است که لذت‌ها، کیفیات متفاوتی دارند و برخی لذت‌ها در مقایسه با دیگر لذات ارزشمندتر هستند (Bryce, 2016:40). وی در تلاش است تا معیاری برای تمایز بین لذات "عالی" و "دانی" بیابد و از این رو، به مفهوم سعادت، فراتر از لذت‌گرایی صرف، توجه می‌کند. سعادت، از منظر سیجویک، چیزی فراتر از مجموع لذات لحظه‌ای است و شامل یک احساس کلی از رضایت، کامیابی و شکوفایی انسانی می‌شود.

سیجویک، سعادت را به عنوان "خیر غایی" تلقی می‌کند، اما تعریف وی از سعادت فراتر از صرف "احساس لذت" است. وی بین لذت‌های جسمانی و لذت‌های فکری و معنوی تمایز قائل می‌شود و معتقد است که لذت‌های برتر از ارزش بالاتری برخوردارند (Sidgwick, 2009: 67). علاوه بر این، سیجویک بر اهمیت "عقلانیت" در دستیابی به سعادت تاکید فراوان دارد. از منظر وی، یک فرد عاقل، باید قادر باشد لذت‌های خود را به گونه‌ای مدیریت کند که به حداکثر سعادت ممکن دست یابد. این بدان معناست که فرد باید بتواند لذت‌های فوری و زودگذر را در برابر لذت‌های بلندمدت و پایدار مقایسه کند، پیامدهای احتمالی اعمال خود را ارزیابی کند و بر اساس این ارزیابی، تصمیم‌گیری کند (Phillips, 2011: 78).

¹ Hedonism

سیجویک معتقد است صرف تمرکز بر لذات کوتاه‌مدت و سطحی، نه تنها به سعادت پایدار نمی‌انجامد، بلکه می‌تواند عواقب ناخوشایندی نیز به دنبال داشته باشد. وی معتقد است که عقل و تعقل نقش مهمی در انتخاب لذات مناسب و اجتناب از لذات مضر دارند (De Lazari-Radek and Singer, 2014: 81). به عبارت دیگر، سعادت واقعی، صرفاً حاصل جمع لحظات لذت بخش نیست، بلکه نیازمند یک برنامه‌ریزی عقلانی است.

1-4 نقش شهود در نیل به سعادت

سیجویک شهود را به عنوان توانایی درک مستقیم و بی‌واسطه حقایق اخلاقی تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، شهود یک نوع شناخت بی‌واسطه است که نیازی به استدلال و اثبات منطقی ندارد. این شناخت، مبتنی بر یک حس درونی یا یک آگاهی ذاتی است که ما را قادر می‌سازد تا اصول اخلاقی را درک کنیم (Sidgwick, 1907: p.18). سیجویک معتقد بود که برخی اصول اخلاقی، مانند اصل عدالت و حسن‌نیت، از طریق شهود قابل درک هستند. به عنوان مثال، ما به طور شهودی درک می‌کنیم که رفتار عادلانه بهتر از رفتار ناعادلانه است، یا اینکه حسن‌نیت فضیلتی ارزشمند است.

سیجویک نسبت به شهودگرایی، رویکردی انتقادی نیز دارد. وی معتقد است که شهود به تنهایی نمی‌تواند پایه محکمی برای اخلاق باشد، زیرا شهودات افراد مختلف ممکن است با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، ممکن است دو نفر در مورد درستی یا نادرستی یک عمل خاص، شهودات متفاوتی داشته باشند. این تفاوت در شهودات، می‌تواند منجر به اختلاف نظر و تعارض اخلاقی شود. سیجویک برای حل این مشکل، به دنبال یافتن اصول اخلاقی کلی بود که مورد توافق همگان قرار گیرند. وی معتقد بود که این اصول، باید به طور واضح و دقیق تعریف شوند و باید از نظر منطقی سازگار باشند (Sidgwick, 1907: p. 84).

از منظر سیجویک، شهود می‌تواند نقش مهمی در راهنمایی افراد به سوی سعادت ایفا کند. به عنوان مثال، شهود می‌تواند به ما کمک کند تا ارزش واقعی لذت‌های مختلف را درک کنیم. برخی از لذت‌ها، مانند لذت‌های جسمانی، ممکن است در کوتاه‌مدت لذت‌بخش باشند، اما در بلندمدت منجر به درد و رنج شوند. شهود می‌تواند به ما کمک کند تا این لذت‌های کاذب را تشخیص داده و از آن‌ها اجتناب کنیم. همچنین، شهود می‌تواند به ما کمک کند تا لذت‌های پایدار و ارزشمند را شناسایی و به دنبال

آن‌ها برویم. علاوه بر این، شهود می‌تواند به ما کمک کند تا رفتارهای اخلاقی درستی را انتخاب کنیم که منجر به سعادت خود و دیگران می‌شوند. به عنوان مثال، شهود می‌تواند به ما کمک کند تا اهمیت رعایت عدالت، حسن‌نیت و نوع‌دوستی را درک کنیم. این رفتارها، نه تنها باعث بهبود روابط اجتماعی می‌شوند، بلکه احساس رضایت و خوشبختی را نیز در فرد ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، انجام رفتارهای اخلاقی، به طور غیرمستقیم به سعادت ما کمک می‌کند.

با این حال، سیجویک تأکید می‌کند که شهود نباید تنها مبنای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی ما باشد. شهود باید با عقل و استدلال همراه شود. به بیان دیگر، ما باید شهودات خود را به طور منطقی ارزیابی کنیم و آن‌ها را با اصول اخلاقی کلی مقایسه کنیم. همچنین، باید به پیامدهای احتمالی اعمال خود توجه کنیم و سعی کنیم رفتارهایی را انتخاب کنیم که منجر به حداکثر رساندن سعادت برای خود و دیگران می‌شوند (Sidgwick, 1898: p.37).

1-5 ارتباط پیامدگرایی با سعادت

سیجویک، در چارچوب پیامدگرایی، معتقد بود که عمل درست عملی است که بهترین نتایج را به بار آورد. این نتایج معمولاً بر اساس میزان سعادت یا خوشبختی تولید شده سنجیده می‌شوند. اما سیجویک در پذیرش ساده‌ی سودگرایی لذت‌گرایانه بنیام بنا چالش‌هایی مواجه بود. وی با مفهوم لذت به عنوان یگانه انگیزه و هدف انسانی مخالف بود و در عوض، بر اهمیت خوشبختی یا سعادت به عنوان هدفی فراگیرتر تأکید می‌کرد. در واقع، برای سیجویک، سعادت صرفاً جمع جبری لذت‌ها نیست، بلکه حالتی از رفاه و رضایت کلی است که شامل ابعاد عقلانی، اخلاقی و احساسی زندگی می‌شود.

سیجویک با این باور، تلاش کرد تا پیوند مستحکمی بین پیامدگرایی و سعادت برقرار کند، با این استدلال که هدف نهایی یک سیستم اخلاقی باید بیشینه‌سازی سعادت کلی باشد. وی معتقد بود که پیامدگرایی با رویکرد شهودی، به عنوان یک شکل خاص از پیامدگرایی که بر بیشینه‌سازی سعادت کلی متمرکز است، معقول‌ترین و سازگارترین روش اخلاقی است (Sidgwick, 1907: p.54).

از منظر سیجویک، ارتباط پیامدگرایی و سعادت، یک ارتباط تنگاتنگ و لازم و ملزوم است. از آنجا که وی پیامدگرایی را به عنوان چارچوب اخلاقی خود پذیرفته است، و لذت‌گرایی جهان‌شمول را به عنوان معیار "بهترین نتایج"، پس اعمال درست، اعمالی هستند که منجر به بیشترین لذت و

کمترین درد برای بیشترین تعداد افراد (و موجودات ذی‌شعور) می‌شوند. به بیان ساده‌تر، اخلاق بر اساس نتایج تعیین می‌شود، و نتایج بر اساس میزان سعادت تولیدشده سنجیده می‌شود (Bryce, 2016: p.109).

برای سیجویک، تمرکز صرف بر لذت به عنوان تنها معیار ارزیابی پیامدها، تصویری ناقص و حتی گمراه‌کننده از رفاه انسانی ارائه می‌دهد. این تمرکز افراطی، ارزش‌هایی همچون دانش، فضیلت و عدالت را که به طور مستقیم به لذت قابل تقلیل نیستند، نادیده می‌گیرد. سیجویک بر این باور بود که سعادت، به عنوان هدفی فراگیرتر، می‌تواند این ارزش‌های غیرقابل تقلیل را نیز در برگیرد و تصویری جامع‌تر از رفاه انسانی ارائه دهد (Nakano-Okuno, 2011: 67).

نگاه سیجویک به سعادت، صرفاً یک تعدیل زبانی یا سلیقه‌ای در چارچوب سودگرایی نیست، بلکه تغییری اساسی در رویکرد اخلاقی به شمار می‌رود. وی با تأکید بر سعادت، بستری فراهم نمود تا ارزش‌های غیرمادی و متعالی نیز در محاسبه اخلاقی وارد شوند. به عبارت دیگر، سیجویک به جای صرف اندازه‌گیری شدت لذت‌ها و دردها، به کیفیت زندگی و میزان رضایت و خرسندی کلی فرد توجه می‌کند. این رویکرد، فضای بیشتری را برای ملاحظات مربوط به عدالت، برابری و حقوق فردی باز می‌کند. سیجویک با ارائه روایتی منحصر به فرد از پیامدگرایی، گامی فراتر از سودگرایی لذت‌گرایانه برداشت و بر اهمیت سعادت به عنوان هدفی فراگیر تأکید کرد.

2. نقد دیدگاه سیجویک

سیجویک، با ارائه چارچوبی نظام‌مند برای اخلاق تلاش نمود تا معیارها و اصول اخلاقی را بر پایه عقلانیت و شهود صورت‌بندی کند. دیدگاه وی که در چارچوب پیامدگرایی شهودی قابل جمع است، سعادت را هدف نهایی عمل اخلاقی دانسته و در پی تعیین روش‌هایی است که حداکثر سعادت را برای حداکثر افراد به ارمغان آورد. در مقابل، دیدگاه اندیشمندان اسلامی، به‌ویژه آیت الله جوادی آملی، با تکیه بر مبانی وحیانی و انسان‌شناسی خاص خود، نقدهای بنیادینی را بر رویکردهای اومانستی در حوزه اخلاق، از جمله پیامدگرایی شهودی سیجویک، وارد می‌سازد. در این بخش سعی بر آن است تا با عرضه نمودن دیدگاه سیجویک بر فلسفه اخلاق آیت‌الله جوادی آملی و دیدگاه‌های

وی در باب اخلاق، نقدهای اصلی آیت‌الله جوادی آملی را بر مفهوم سعادت در پیامدگرایی شهودی سیجویک آشکار نمائیم.

1-2 نسبت‌گرایی اخلاقی و فقدان معیار ثابت

یکی از نقدهای اصلی که از منظر آیت‌الله جوادی آملی بر پیامدگرایی سیجویک وارد است، معطوف به نسبت‌گرایی اخلاقی است که در رویکرد سیجویک مشهود است. از آنجا که پیامدگرایی بر اساس محاسبه پیامدها و نتایج اعمال، ارزش اخلاقی آن‌ها را تعیین می‌کند، این احتمال وجود دارد که عملی در شرایطی خاص اخلاقی تلقی شود، در حالی که در شرایط دیگر غیر اخلاقی محسوب گردد. این نسبت‌گرایی، به اعتقاد آیت‌الله جوادی آملی، زمینه‌ساز هرج و مرج اخلاقی و تضعیف بنیان‌های اخلاقی جامعه می‌شود و نمی‌توان ارمغان‌آور سعادت برای فرد و جامعه باشد. آیت‌الله جوادی آملی در این راستا می‌گوید: «اخلاق باید بر پایه اصول ثابت و مطلق بنا شود، نه بر اساس محاسبه پیامدها که امری نسبی و متغیر است. پیامدگرایی، اگرچه در نگاه اول جذاب به نظر می‌رسد، اما در نهایت نمی‌تواند پاسخگوی نیاز انسان به یک معیار ثابت و مطمئن برای تشخیص درست از نادرست باشد.» (جوادی آملی، 1382، ج 1: 312).

در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی بر اهمیت وجود اصول اخلاقی ثابت و مطلق تأکید می‌کند. وی معتقد است که این اصول باید بر پایه عقل، وحی، و فطرت انسانی بنا شوند. این اصول، همچون راهنمایی روشن، می‌توانند به انسان در تشخیص درست از نادرست کمک کنند و او را در مسیر صحیح هدایت نمایند. برای مثال، عدالت، صداقت، و امانتداری از جمله اصول اخلاقی ثابتی هستند که در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع مورد احترام قرار می‌گیرند (جوادی آملی، 1404: 125).

بنابراین، از منظر آیت‌الله جوادی آملی انسان برای دستیابی به سعادت و کمال، نیازمند یک راهنمای اخلاقی است که بر پایه اصول ثابت و مطلق بنا شده باشد. این راهنما باید بتواند به انسان در تشخیص درست از نادرست کمک کند و وی را در مسیر درست هدایت نماید. پیامدگرایی، به دلیل نسبت‌گرایی اخلاقی که در آن نهفته است، نمی‌تواند این نیاز انسان را برآورده سازد. دلیل این امر آن است که محاسبه پیامدها همواره با ابهام و عدم قطعیت همراه است. پیش‌بینی دقیق پیامدهای یک عمل، به ویژه در بلندمدت، امری بسیار دشوار و حتی غیرممکن است. علاوه بر این، ارزش‌گذاری

پیامدها نیز امری ذهنی و سلیقه‌ای است. آنچه برای یک فرد سودمند تلقی می‌شود، ممکن است برای فرد دیگر زیان‌آور باشد. بنابراین، اتکا به پیامدها برای تعیین ارزش‌های اخلاقی، نمی‌تواند به یک معیار ثابت و مطمئن منجر شود.

2-2 محدودیت عقل و شهود در تشخیص سعادت حقیقی

سیجویک در پیامدگرایی شهودی خود، بر عقل و شهود به عنوان ابزارهای اصلی برای تشخیص سعادت و تعیین اعمالی که منجر به آن می‌شوند، تاکید می‌کند. آیت الله جوادی آملی با انتقاد از این رویکرد، معتقد است که عقل و شهود انسان، هرچند ابزارهای ارزشمندی هستند، اما در تشخیص سعادت حقیقی محدودیت‌هایی دارند. عقل انسان اسیر علایق و تمایلات نفسانی است و ممکن است تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی، دچار خطا و اشتباه شود. شهود نیز، به دلیل وابستگی به تجربه‌های فردی و محدودیت‌های حسی، نمی‌تواند تصویر کاملی از سعادت ارائه دهد.

آیت‌الله جوادی آملی در این راستا در کتاب *تلاوت قرآن از تحریف می‌نویسند: «عقل انسان، هرچند نور هدایت است، اما برای تشخیص سعادت حقیقی کافی نیست. عقل نیازمند راهنمایی وحی است تا بتواند مسیر درست را تشخیص دهد و از گمراهی در امان بماند»* (جوادی آملی، 1395: 238).

مطابق با بینش آیت‌الله جوادی آملی، پیامدگرایی، با تمرکز بر خوشبختی و لذت دنیوی، از غایت قصوای انسان که همان قرب الهی و سعادت اخروی است، غافل می‌ماند. از منظر آیت‌الله جوادی آملی، انسان موجودی است با ظرفیت‌های بی‌نهایت و هدف اصلی او، رسیدن به کمال و سعادت ابدی است. پیامدگرایی، با محدود کردن هدف انسان به خوشبختی دنیوی، او را از رسیدن به این هدف متعالی باز می‌دارد. از این منظر، حتی اگر یک عمل در کوتاه‌مدت بیشترین خوشبختی را برای بیشترین تعداد افراد فراهم کند، اما مانع از رسیدن آنها به سعادت اخروی شود، از نظر اخلاقی ارزشمند نخواهد بود. از سوی دیگر، عقل به‌تنهایی نمی‌تواند عامل حیات اخلاقی نیک برای انسان باشد و نمی‌تواند همان سعادت دنیوی را نیز که ادعا می‌کند برای بشر امروزین مهیا سازد؛ نمونه آن تعارض حاکم بین مکاتب اخلاقی غربی است که گاهی تا ورطه تضاد نیز پیش رفته است (جوادی آملی، 1392: 85-88).

2-3 فردگرایی افراطی و نادیده گرفتن مسئولیت اجتماعی

نقد دیگری که مطابق با فلسفه اخلاق آیت‌الله جوادی آملی بر پیامدگرایی شهودی سیجویک وارد است، معطوف به فردگرایی افراطی و نادیده گرفتن مسئولیت اجتماعی در این رویکرد است. پیامدگرایی سیجویک، به دنبال به حداکثر رساندن سعادت برای حداکثر افراد است، اما در این میان ممکن است حقوق و نیازهای اقلیت‌ها نادیده گرفته شود. از منظر آیت‌الله جوادی آملی، اخلاق اسلامی بر عدالت، احسان و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد و سعادت فردی را در گرو سعادت جمعی می‌داند.

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب *قرآن در قرآن* با اشاره به اهمیت مسئولیت اجتماعی در اسلام می‌گوید: «سعادت فردی در گرو سعادت جامعه است و انسان نمی‌تواند بدون توجه به نیازها و حقوق دیگران، به سعادت حقیقی دست یابد. اسلام بر این باور است که انسان‌ها مسئول یکدیگرند و باید در جهت رفع نیازهای همدیگر تلاش کنند» (جوادی آملی، 1396، ج 1: 451).

مطابق با این بینش، پیامدگرایی شهودی به دلیل تمرکز بر سعادت حداکثری، ممکن است منجر به نادیده گرفتن حقوق و نیازهای اقلیت‌ها و تضعیف بیان‌های عدالت اجتماعی شود. این نقد بر پیامدگرایی شهودی سیجویک، معطوف به جنبه‌ای عمیق‌تر از مسئولیت اجتماعی است. در فلسفه اخلاق اسلامی، مسئولیت اجتماعی تنها به رفع نیازهای مادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ارتقای معنویت و گسترش فضایل اخلاقی در جامعه نیز می‌شود. در واقع، از منظر اسلام، سعادت واقعی تنها با رشد و تعالی روحی و اخلاقی انسان‌ها حاصل می‌شود. پیامدگرایی سیجویک، با تمرکز صرف بر افزایش سعادت به عنوان یک تجربه ذهنی، از این جنبه مهم غفلت می‌کند.

2-4 فقدان مبنای متافیزیکی استوار برای سعادت

یکی از نقدهای اصلی که با عرضه نمودن نظریه سیجویک بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی می‌توان بر رویکرد پیامدگرایی شهودی سیجویک در باب سعادت وارد ساخت، این است که دیدگاه سیجویک، فاقد مبنایی متافیزیکی برای مفهوم سعادت است. سیجویک، با تمرکز بر رویکردهای نتیجه‌گرایانه و فایده‌گرایانه، سعادت را در لذت و رضایت فردی و اجتماعی جستجو می‌کند. در این دیدگاه، سعادت، امری تجربه‌پذیر و قابل اندازه‌گیری تلقی می‌شود.

جوادی آملی در آثار خود، به ویژه در کتاب *فلسفه حقوق بشر*، استدلال می‌کند که چنین برداشتی از سعادت، سطحی و ناکافی است. وی معتقد است که سعادت حقیقی، ریشه در اتصال به مبدأ هستی و دستیابی به کمالات معنوی دارد. به عبارت دیگر، سعادت، صرفاً یک احساس یا حالت روانی نیست، بلکه یک وضعیت وجودی است که با ارتقاء روحی و معنوی انسان حاصل می‌شود. وی، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و فلسفه صدرایی، سعادت را به "قرب الهی" پیوند می‌زند و معتقد است که انسان، با شناخت و بندگی خداوند، می‌تواند به کمال حقیقی خود دست یابد و در نتیجه، سعادت را تجربه کند (جوادی آملی، 1404: 45-52).

در دیدگاه سیجویک، انسان، موجودی مستقل و خودبنیاد است که سعادت خود را در این دنیا و از طریق لذت و رضایت جستجو می‌کند و نظریه وی فاقد. در مقابل، در دیدگاه جوادی آملی، انسان، موجودی وابسته به خداوند است که سعادت حقیقی خود را در اطاعت از او و دستیابی به کمالات معنوی می‌یابد.

2-5- نقش شهودگرایی عقلانی

آیت‌الله جوادی آملی، ضمن تأکید به جایگاه عقل و بهره عقل در اکتساب معارف، به محدودیت‌های شهودگرایی عقلانی نیز اشاره می‌کند. وی معتقد است که شهود عقلانی، متأثر از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی فرد است و نمی‌تواند به طور کامل بی‌طرفانه و عاری از پیش‌فرض باشد. از منظر آیت‌الله جوادی آملی، شهود عقلانی، در بهترین حالت، می‌تواند نقش ابزاری را در درک حقایق اخلاقی ایفا کند، اما نمی‌تواند به عنوان منبع اصلی و مستقل جهت‌نیل به سعادت حقیقی مورد استفاده قرار گیرد (جوادی آملی، 1398: 114).

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، تجربیات، باورها و ارزش‌های پیشین فرد می‌توانند بر نحوه‌ی ادراک او از سعادت تأثیر بگذارند و بینش وی را درباره سعادت به سمت خاصی هدایت کنند. به عبارت دیگر، شهود عقلانی نمی‌تواند به طور کامل بی‌طرفانه و عاری از پیش‌فرض باشد، بلکه همواره در معرض تحریف و سوگیری قرار دارد و سیجویک از پیامدهای نامطلوب پیامدگرایی شهودی در نظریه خویش جهت نیل به سعادت غفلت ورزیده است؛ چراکه چه‌بسا فرد تحت تأثیر محیط مادی‌گرایانه و افکار

لذت‌جویانه قرار گیرد و سعادت خود را بر این امور مبتنی سازد و این امر نقص شهودگرایی عقلانی که سیجویک بر آن جهت نیل به سعادت تکیه زده را آشکار می‌نماید.

3. نتیجه‌گیری

سعادت در نظام‌های اخلاقی مختلف، جایگاه متفاوتی دارد. در اخلاق ارسطویی، سعادت هدف نهایی زندگی و ملاکی برای ارزیابی اعمال اخلاقی است. در اخلاق لذت‌گرایانه، سعادت با لذت یکی دانسته می‌شود و هدف اخلاق، بیشینه‌سازی لذت و کمینه‌سازی درد است. در اخلاق وظیفه‌گرایانه کانتی، سعادت نباید انگیزه اصلی اعمال اخلاقی باشد، اما باید به عنوان پاداشی برای فضیلت‌مندی در نظر گرفته شود. در اخلاق فضیلت‌مدارانه معاصر، سعادت نتیجه طبیعی زندگی فضیلت‌مندانه و مشارکت در سنت‌های اخلاقی است. با وجود این تفاوت‌ها، وجه اشتراک مهمی بین این دیدگاه‌ها وجود دارد: همه آنها بر اهمیت پرورش صفات اخلاقی و انجام اعمال نیکو تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر، همه این نظام‌ها معتقدند که سعادت، به نوعی با اخلاق در ارتباط است. به نظر می‌رسد که سعادت، نه تنها یک احساس خوشایند و زودگذر، بلکه یک حالت پایدار و عمیق است که از زندگی معنادار و اخلاقی ناشی می‌شود. سیجویک، با تکیه بر پیامدگرایی شهودی، سعادت را به عنوان هدف غایی و معیار ارزیابی کنش‌های اخلاقی در نظر می‌گیرد. از منظر وی، صرف تمرکز بر لذات کوتاه‌مدت و سطحی، نه تنها به سعادت پایدار نمی‌انجامد، بلکه می‌تواند عواقب ناخوشایندی نیز به دنبال داشته باشد. وی معتقد است که عقل و تعقل نقش مهمی در انتخاب لذات مناسب و اجتناب از لذات مضر دارند. به بیان دیگر، سعادت واقعی، صرفاً حاصل جمع لحظات لذت‌بخش نیست، بلکه نیازمند یک برنامه‌ریزی عقلانی است.

با این حال، از منظر آیت‌الله جوادی آملی، سعادت در پیامدگرایی شهودی سیجویک با چالش‌های جدی روبرو است. نقد اصلی که مطابق با اندیشه‌های ایشان می‌توان بر پیامدگرایی شهودی سیجویک در باب سعادت وارد ساخت، مبنی بر محدود کردن سعادت به لذت و خوشی، بدون در نظر گرفتن ابعاد معنوی و روحانی آن، استوار است. آیت‌الله جوادی آملی، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و عرفانی، سعادت حقیقی را در قرب الهی و تحقق کمال انسانی می‌داند. بدین ترتیب، سعادت که سیجویک مطرح می‌کند، در چارچوب لذت‌گرایی مادی محدود شده و از ابعاد متعالی و معنوی سعادت غافل است. نقد دیگر آیت‌الله جوادی آملی به پیامدگرایی سیجویک، ابهام در تعریف و تعیین دقیق مفهوم

سعادت و همچنین چالش‌های عملی محاسبه و اندازه‌گیری آن است. ایشان معتقدند که تعریف سعادت صرفاً بر اساس لذت و خوشی، امری نسبی و متغیر است و نمی‌تواند مبنای محکمی برای نظام اخلاقی فراهم کند. به‌علاوه، محاسبه و مقایسه میزان سعادت افراد مختلف، امری دشوار و حتی غیرممکن است و در عمل، منجر به تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و غیرعادلانه خواهد شد.

در نهایت، از منظر آیت‌الله جوادی آملی، تکیه صرف بر عقل و شهود، بدون در نظر گرفتن وحی و راهنمایی‌های الهی، نمی‌تواند انسان را به سعادت حقیقی رهنمون سازد. ایشان معتقدند که عقل انسان، محدود و خطاپذیر است و نمی‌تواند به‌تنهایی تمامی ابعاد حقیقت را درک کند. بنابراین، برای رسیدن به سعادت حقیقی، نیازمند راهنمایی وحی و تبعیت از دستورات الهی هستیم.

منابع

ادواردز، پل (1378)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.

پالمر، مایکل (1388)، *مسائل اخلاقی*، ترجمه علیرضا آل‌بویه، تهران: انتشارات سمت.

پیک‌حرفه، شیرزاد (1394)، *فایده‌گرایی*، تهران: نگاه معاصر.

جوادی آملی، عبدالله (1391)، *ادب فنای مقربان*، ج 8، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله (1392)، *شریعت در آینه معرفت*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم.

جوادی آملی، عبدالله (1395)، *نزهت قرآن از تحریف*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم.

جوادی آملی، عبدالله (1396)، *قرآن در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (1404)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دهم.

درايور، جوليا (1394)، *پیامدگرایی*، ترجمه شیرزاد پیک‌حرفه، تهران: حکمت.

صانعی، منوچهر (1368)، *فلسفه اخلاق در تفکر غرب*، ج 1، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

فرانکنا، ویلیام کی (1376)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: انتشارات طه.

کاپلستون، فردریک (1387)، *تاریخ فلسفه*، ج 2، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و سروش.

مور، جورج ادوارد (1385)، *مبانی اخلاق*، ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسکری یزدی، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وارنوک، مری (1380)، *فلسفه اخلاق در قرن بیستم*، ترجمه ابوالقاسم فنایی، قم: بوستان کتاب.

هر، جان (1396)، *دین و اخلاق*، ترجمه مهدی محمدی اصل، تهران: ققنوس.

Bryce, James (2016), *Henry Sidgwick: Studies in Contemporary Biography*, New York: Macmillan.

De Lazari-Radek, Katarzyna; Singer, Peter (2014), *The Point of View of the Universe: Sidgwick and Contemporary Ethics*, Oxford: Oxford University Press.

Nakano-Okuno, Mariko (2011), *Sidgwick and Contemporary Utilitarianism*, London: Palgrave Macmillan

Phillips, David (2011), *Sidgwickian Ethics*, Oxford: Oxford University Press.

Schneewind, Jerome (1977), *Sidgwick's Ethics and Victorian Moral Philosophy*, Oxford: Clarendon Press.

Shaver, Robert (2009), *Rational Egoism: A Selective and Critical History*, Cambridge: Cambridge University Press.

Sidgwick, Henry (1898), *Practical Ethics; a Collection of Addresses and Essays*, New York: Macmillan.

Sidgwick, Henry (1907), *The Methods of Ethics*, London: Macmillan.

Sidgwick, Henry (2009), *The Ethics of Conformity and Subscription*, Whitefish: Kessinger Publishing.